



روایتی از زندگی شهید منافی زاده

پهلوانی
به سبک اصغر آقا

معلم بود و اهل جنوب شهر. همین حالا هم ورزشگاهی در نازی‌آباد به نام اوست که یادآور پهلوانی‌های این شهید است. بسیاری از کسانی که او را می‌شناختند، نمی‌دانستند که ملی‌پوش کشتی و نایب‌قهرمان کشتی فرنگی بوده. همین قدر خاکی و مرامش از همان ابتدا پهلوانی بود. شهید اصغر منافی زاده، روزگاری معلم تربیت بدنی یکی از مدارس جنوب تهران بود. تلاش می‌کرد با نوجوان‌های محله خانی‌آباد و نازی‌آباد ارتباط خوبی برقرار کند. همان گوش شنوایی بود که نوجوان‌های ورزشکار به آن نیاز داشتند. برای خیلی‌هایشان هم پدر بود و هم معلم. از مرام او یاد می‌گرفتند و به منش پهلوانی‌اش اقتدا می‌کردند. خودش سال‌ها طعم محرومیت را چشیده بود و به همین دلیل هم نوجوان‌های آن منطقه را خوب درک می‌کرد. همسرش می‌گوید همیشه بخشی از حقوق معلمی‌اش را برای لوازم ورزشی نوجوانان عاشق کشتی می‌گذاشت. اگر با خبر می‌شد که یکی از همین علاقه‌مندان به کشتی، شرایط پرداخت هزینه کلاس آموزشی را ندارد، بلافاصله آستین بالا می‌زد و تلاش می‌کرد او را وارد زمین کشتی کند. کنارشان می‌ایستاد تا وارد کشتی شوند و دوبنده پهلوانی به تن کنند. اخلاق پهلوانی را یادشان می‌داد و از هر کدام‌شان یک کشتی‌گیر اخلاق‌مدار می‌ساخت.

اما رفتن شهید منافی زاده به جبهه اتفاقی بود. سال ۶۳ هنوز آموزش هم ندیده بود که متوجه می‌شود گروهی در حال عزیمت به سمت جبهه هستند. با اصرار می‌خواهد که همراهی‌شان کند. می‌گوید رانندگی می‌داند و در بخش ترابری می‌تواند مفید باشد. به هزار

ضرب و زور راضی می‌شوند و او را برای آموزش می‌برند. اول به بخش ترابری می‌رود و بعد به عملیات اعزام می‌شود و در عملیات بدر در جزیره مجنون برای همیشه جاویدان می‌شود. شب قبل از عملیاتی که او شهید شد، عراقی‌ها به حضور رزمندگان‌ها شک کرده بودند. هرچند هنوز متوجه نشده بودند عملیات از کجا آغاز می‌شود. با قایق‌های موتوری بین نیزار می‌رفتند. خمپاره از هر سو شلیک می‌شد. انگار که بارانی از خمپاره باریدن گرفته باشد. یکی از همین خمپاره‌ها به جلوی قایق اصغر منافی زاده می‌خورد و نیمی از بدنش را با خود می‌برد. قصه این پهلوان اینجا تمام نشد اما دنیای جسمانی‌اش به پایان رسید، در اسفند همان سالی که به جبهه اعزام شد و در ۲۹ سالگی به شهادت رسید.

منافی زاده متولد ۲۲ تیر ۱۳۳۴ بود. بعد از گرفتن دیپلم به عنوان معلم در یکی از مدارس تهران مشغول به خدمت شد. سال ۵۹ ازدواج کرد و حاصل این ازدواج پسر بود که در کنار دیگر شاگردانش، تلاش کرد درس پهلوانی را به او بیاموزد. سال‌ها در کسوت معلمی، خوی پهلوانی را به شاگردانش آموزش می‌داد و بعدتر به جبهه رفت و در جزیره مجنون جاویدان شد. تا مدت‌ها کسی نمی‌دانست که نایب قهرمانی کشتی را در پرونده خود دارد. همدوره قهرمانانی مثل محمد بنا در دهه ۵۰ و ۶۰ شمسی بود. تمام هم و غمش را بر این گذاشته بود که نوجوان‌های عشق کشتی را به آرزوی‌شان برساند. نه فقط کشتی که مرام پهلوانی را به آنها می‌آموخت و تلاش می‌کرد مثل پدری دلسوز و معلمی شنوا، کنارشان باشد و به قد کشیدن‌شان کمک کند.



آراستگی پوشش کارمندان خود را به باسپارید

پوشاک فرم

اولین ارائه دهنده تخصصی پوشاک ادارات



آدرس فروشگاه: تقاطع خیابان ولیعصر و طالقانی، مجتمع تجاری نور تهران، طبقه سوم تجاری، شماره ۹۰۶۷

تلفن: ۰۲۵-۸۸۲۲۶۰۳۵ همراه: ۰۹۱۲۷۰۱۵۱۲۲

@form1

manto_uniform

www.form1.ir

formiran@yahoo.com

سندکیمانی و برگ سبز خودرو وانت زامیاد
مدل ۱۳۹۰ به رنگ آبی شماره انتظامی
ایران ۱۳-۶۹۱ پ ۷۶ شماره موتور 606778
شماره شناسی NAZPL140TB0322906 به نام
بیگم عرب جعفری محمدآبادی مفقود
گرددیده و فاقد اعتبار است.

شماره تلفن های
پنیرش

۴۹۱۰۵۰۰۰



امور آگهی های روزنامه جام جم